گزارش

رهبر انقلاب در پیامی به‌مناسبت روز مبارزه با استکبار جهانی:

صف‌آرایی جبهه حق در مقابل جبهه باطل

رهبر معظم انقلاب در پیامی به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی تأکید کردند: اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند یا تصور می‌کنند با امتیازدادن به آمریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند.

متن پیام آیت‌الله سیدمجتبی حسینی‌خامنه‌ای به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی به شرح زیر است:

«امروز، روز ملی مبارزه با استکبار جهانی و روزی است که مجموعه‌ای از نقاط عطف صف‌آرایی جبهه حق در مقابل جبهه باطل و جبهه مظلوم در مقابل جبهه ظالم را در خود جمع نموده است. شاید بتوان گفت سیزدهم آبان امسال، ملت ایران تکلیف خود را با آمریکای جنایتکار روشن‌تر و شفاف‌تر از هر سال دیگر می‌داند، اما مرور ریشه‌ها، دلایل و نقاط عطف خصومت روزافزون آمریکا و صف‌آرایی مستحکم ملت ایران در برابر آن، چراغ راه آیندهٔ این مسیر است. نقطهٔ آغازین ظلم آمریکا علیه ملت ایران، به بیش از هفت دههٔ قبل می‌رسد؛ آنگاه که کودتای بیست‌وهشتم مرداد را برای استمرار چپاول منابع و سرمایه‌های ملی خصوصا نفت برپا کرد. دهه‌های بعدی تا پیروزی انقلاب اسلامی نیز دورانی بود که حکام آمریکا تلاش وافری برای غارت دارایی‌های ملّت ایران به عمل آوردند. در این مسیر با تأسیس ساواک و مسلط‌ساختن فضای سنگین امنیتی بر جامعه، دست حکومت جائر آن زمان را برای اقدام به سرکوب هر حرکت معترضانه‌ای بازتر کردند. در آستانهٔ پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی هم از انواع ترفندها برای حفظ حکومت دست‌نشاندهٔ خود استفاده نمودند. از رفتار خصمانهٔ آنان در دوران پس از پیروزی انقلاب عظیم ملّت ایران نیز می‌توان فهرستی طویل از اقدامات ضد مردمی آنان را ارائه داد که شامل حمایت از گروه‌های تجزیه‌طلب و کودتاگران و منافقین کوردلی که علاوه بر نخبگان علمی، سیاسی و اجتماعی، انبوهی از مردمان عادی را با سنگدلی به شهادت می‌رساندند؛ پشتیبانی مستقیم و همه‌جانبه از حزب بعث در جنگ تحمیلی اول، کشتار غیرنظامیان هواپیمای مسافربری، تحریم‌های گستردهٔ طولانی و سنگین اقتصادی، طرح‌ریزی و حمایت از آشوب‌ها و فتنه‌های متعدد و حتی پشتیبانی تسلیحاتی از آنها، ترور سردار سلیمانی قهرمان ملی ایران و امت اسلامی؛ دزدی اموال و دارایی‌های ملت ایران در کشورهای مختلف؛ و سرانجام تهاجم مستقیم نظامی در جنگ‌های تحمیلی دوم و سوم و به شهادت رساندن جمع زیادی از نخبگان و دانشمندان و فرماندهان و خیل کثیری از مردم مظلوم ایران از نوزادان و نونهالان تا کهنسالان و در رأس همهٔ آنها رهبر عظیم‌القدر انقلاب اسلامی قدس‌الله نفسه الزکیه می‌باشد.

در تمام این مراحل، سردمداران مستکبر آمریکا و اذناب آن همواره به دنبال تحمیل سلطهٔ خود و تسلیم ایران بوده‌اند و حتی در آخرین نسخه‌های این زورگویی، تمامی آداب و ظواهر دروغین و فریبندهٔ بین‌المللی را کنار گذاشته و وقیحانه به‌دنبال تجزیهٔ کشور، زانوزدن ملّت، فروپاشی نظام و نابودی تمدن اصیل و کهن ایران هستند. و البته در هر مرحله‌ای با دیوار محکم واقعیت میدانی و صخره‌های استوار ارادهٔ ملّت غیور ایران مواجه شده و نتیجهٔ محاسبات غلط و توهمات استکباری‌شان را در سبد هزینه‌هایی سنگین بر دوش مردم امریکا و حکومت‌های دست‌نشاندهٔ دولت آمریکا گذاشته‌اند. اکنون داستان دشمنی دیرینهٔ آمریکا با ملت مسلمان ایران و مقاومت غیورانهٔ همهٔ ایرانیان در مقابل این دشمن به جایی رسیده که نه فقط سیزدهم آبان بلکه همهٔ روزها و ساعات، ایام ایستادگی و مبارزه با شیطان بزرگ شده است. اینک صحنهٔ خلیج فارس خصوصا تنگهٔ هرمز همچنان‌که بطلان افسانهٔ شکست‌ناپذیری آمریکا را رقم زده است، ضعف و زبونی حکومت‌هایی که به نیرویی جز ملت خویش اتکا می‌کنند و بی‌وفایی و عجز قدرت‌های بزرگ در دفاع از حکومت‌های دست‌نشانده‌شان را نشان می‌دهد. اِعمال مدیریت ایران بر تنگهٔ هرمز و ازبین‌بردن پایگاه‌های نظامی آمریکا در کشورهای منطقه اگرچه عکس‌العملی به تجاوز و جنایت آمریکا در جنگ تحمیلی سوم بود، اما در عین حال جهادی ابتدایی علیه استکبار در ابعادی منطقه‌ای نیز محسوب شده که در صورت تکرار تعدّیات، ابعاد بسیار وسیع‌تری به خود خواهد گرفت. این نشانهٔ اقتدار، در کنار وحدت ساحات جبههٔ حق و حماسه‌سازی‌های هوشمندانه و مقتدرانهٔ جبههٔ مقاومت از فلسطین و لبنان تا عراق و یمن، طلیعه‌ای روشن و امیدآفرین از اعتلای پرچم جبههٔ حق و زمینه‌سازی برای نظم جدید جهانی است؛ چراکه هرگاه جبههٔ حق، توکّل و استقامت و فداکاری داشته باشد، جبههٔ باطل با هر قدرت و توان و هر که و هرچه باشد، در برابر آنِ تاب نخواهد آورد و عقب‌نشینی و هزیمت، فرجام قطعی آن است که اِن الباطلَ کانَ زَهوقا. بحمدالله ملّت ایران درس‌های بزرگی را از آموزه‌های اسلام ناب محمدی صلّی‌الله علیه و آله و سلّم و معارف انقلاب اسلامی و مکتب رهبران حکیم خود، خمینی کبیر و خامنه‌ای شهید اعلی‌الله مقامهما الشریف به‌خوبی فرا گرفته و روزبه‌روز با تحقّق وعده‌های الهی، ایمانش به حقانیت این راه عمیق‌تر شده است. امروز در اثر رسوایی خودساختهٔ مستکبران، قدرت و سلطهٔ رو به زوال آمریکا در هر دو بُعد قدرت سخت نظامی و قدرت نرم بین‌المللی دچار سقوطی برگشت‌ناپذیر شده و روند فروپاشی آن تسریع گردیده است. اگر هنوز کسانی هستند که اندک امیدی به تغییر رفتار یا جابه‌جایی‌های حزبی و جناحی در نظام سلطه دارند و یا تصور می‌کنند با امتیازدادن به آمریکا می‌توانند او را از دشمنی با ملت ایران منصرف کنند، سخت در اشتباه‌اند. این تصور باطل، ناسپاسی نسبت به فتوحات عظیمی است که ملّت مسلمان ایران در سایهٔ توکل و استقامت و مجاهدت به دست آورده است. آرزوی شیطان بزرگ، تسلیم بی‌قیدوشرط ملّت ایران است و کمترین گرایش تسلیم‌آمیز به دشمن سلطه‌گر، سرمایهٔ عظیمی را که به برکت خون شهدا و با فداکاری آحاد ملت به دست آمده بر باد خواهد داد و دشمن مستکبر را برای زیاده‌خواهی بیشتر و جنگ‌ها و جسارت‌های بعدی جری‌تر خواهد کرد. تنها راه رسیدن به نقطهٔ بازدارندگی مطلق، استمرار راهبرد «ایران هرچه قوی‌تر» در مسیر پیشرفت همه‌جانبه بوده؛ و یکپارچگی، وحدت و انسجام اجتماعی، عنصر اصلی موفقیت در این مسیر می‌باشد که لازم است بر هر گفتار و کردار فردی و اجتماعی ملت و مسئولان حاکم باشد. در این زمینه همچنان که حمایت‌های ملت از مسئولان، امری لازم است، استمرار و ارتقای توجه مسئولان به خدمت مضاعف و جهادی و صمیمیت با مردم و تأمین معیشت و آسایش و رشد مادی و معنوی و حفظ عزت و استقلال آنان نیز دارای اهمیّت است. قشر پیشرو برای ساختن آیندهٔ روشن و شکوهمند ایران عزیز، جوانان، دانشجویان و دانش‌آموزان‌مان هستند که می‌بایست به صورت مستمر در پی تسخیر و ویران‌سازی لانهٔ تاریک «یأس و ناامیدی و نشدن‌ها» و فتح خانهٔ روشنِ «امید و ما می‌توانیم» باشند. لازمهٔ این مأموریت، ورزیدگی فوقِ‌العاده و مجهزشدن به انواع سلاح‌های علم و تقوا و مهارت و اخلاق و اراده و تلاش فوق‌العاده و «هم‌عهدی» برای رسیدن به اهداف والا است. امید است به لطف الهی و دعای سَرورمان عجّل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، ملت ایران پیروزی و سعادت و پیشرفت همه‌جانبه‌ای را هرچه زودتر تجربه نموده و اسباب افول هرچه بیشتر و سریع‌تر سلطهٔ شیطان بزرگ فراهم شود. اِنّهم یَرونَهُ بعیداً و نَراهُ قریباً».



گزارش «شرق» از شکست جمهوری‌خواهان، آینده ماگا و سرنوشت جنگ ایران

صندوق علیه جنگ

زهره فراهانی: آمریکا کنگره‌اش را انتخاب می‌کرد، اما در ایران عده‌ای انگار پای صندوق تعیین سرنوشت خودشان نشسته بودند. هر کرسی که جمهوری‌خواهان از دست می‌دادند، اینجا به تیتر جنگ و صلح تبدیل می‌شد و هر پیروزی دموکرات‌ها، خوراک تازه‌ای برای جدال توافق و تقابل بود. تبِ واشینگتن در تهران چنان بالا گرفته بود که گویی انتخابات آمریکا، بیش از آنکه رقابت دو حزب برای اداره آن کشور باشد، آوردگاه جناح‌های سیاسی ایران است. هنوز شمارش آرا تمام نشده، «تحلیل نتیجه» آغاز شده بود؛ یکی از شکست ترامپ سند حقانیت می‌ساخت، دیگری درباره خطرناک‌ترشدنش هشدار می‌داد. میان «توافق‌خوانی» از پیروزی دموکرات‌ها و «جنگ‌خوانی» از واکنش ترامپ، هر خبر پیش از آنکه بررسی شود، به خدمت یک موضع درمی‌آمد. خبر از تگزاس و کارولینای جنوبی بود، اما دعوا بر سر تهران؛ بر سر اینکه چه کسی آینده را درست دیده و حالا چه کسی باید پاسخ بدهد.

ترامپ نیز جنگ را به بحث شکست برگرداند. پیش از انتخابات، از هوادارانش می‌خواست تصور کنند نام او روی برگه رأی است. وقتی حزبش هر دو مجلس را باخت، گفت اگر خودش نامزد بود، با اختلاف می‌برد. بعد در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز پذیرفت که جنگ ایران در شکست جمهوری‌خواهان سهم داشته است. در گفت‌وگو با وال‌استریت ژورنال هم گفت اگر دوباره در همان موقعیت قرار می‌گرفت، باز تصمیم به حمله می‌گرفت. این دو موضع کنار هم مهم هستند؛ رئیس‌جمهور هزینه انتخاباتی تصمیمش را پذیرفت، اما آن را دلیلی برای تجدیدنظر در اصل تصمیم ندانست. در تهران، محمدباقر قالیباف نتیجه را «نه به جنگ» خواند. این تعبیر، انتظار بخشی از افکار عمومی ایران را بازتاب می‌داد؛ اینکه شکست حزب رئیس‌جمهور آمریکا بتواند راه پایان درگیری را هموار کند. برای سنجش این انتظار، باید از واکنش‌های شب انتخابات عبور کرد و سراغ سه موضوع رفت: علت شکست جمهوری‌خواهان، قدرت واقعی اکثریت تازه و انتخاب‌هایی که همچنان پیش‌روی کاخ سفید قرار دارد.

شکستی فراتر از قاعده میان‌دوره‌ای

حزب رئیس‌جمهور در انتخابات میان‌دوره‌ای آمریکا معمولا کرسی از دست می‌دهد. بررسی مؤسسه بروکینگز نشان می‌دهد در ۲۰ مورد از ۲۲ انتخابات میان‌دوره‌ای از سال ۱۹۳۸ تا پیش از این دوره، حزب حاکم در مجلس نمایندگان عقب نشسته بود. خود ترامپ در سال ۲۰۱۸ مجلس نمایندگان را باخت و سنا را حفظ کرد. جو بایدن نیز در سال ۲۰۲۲ مجلس نمایندگان را از دست داد، اما اکثریت سنا را نگه داشت. بنابراین، پیش‌بینی عقب‌نشینی جمهوری‌خواهان دشوار نبود؛ مسئله، وسعت عقب‌نشینی و جغرافیای آن بود. این بار هر دو اکثریت از دست رفت. دموکرات‌ها به حد نصاب ۲۱۸ کرسی مجلس نمایندگان رسیدند و در رقابت‌های سنا، در تگزاس، کانزاس و کارولینای جنوبی نیز پیروز شدند. در کارولینای جنوبی، نامزد مورد حمایت ترامپ در ایالتی شکست خورد که خود او دو سال پیش با اختلاف نزدیک به ۱۸ واحد درصد برده بود. چنین فاصله‌ای میان نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری و رقابت سنا، توجه را به عواملی فراتر از فرسایش معمول حزب حاکم جلب می‌کند؛ از کیفیت نامزدها و میزان مشارکت تا ارزیابی مردم از کارنامه دولت.

نشانه‌های آسیب‌پذیری پیش از رأی‌گیری دیده می‌شد. در نظرسنجی اکتبر آسوشیتدپرس و نورک، ۳۶ درصد رأی‌دهندگان عملکرد ترامپ را تأیید می‌کردند و ۷۹ درصد از نحوه برخورد او با هزینه زندگی ناراضی بودند. جمهوری‌خواهان باید در چنین فضایی از ادامه قدرت خود دفاع می‌کردند؛ فضایی که در آن، وعده‌های اقتصادی دولت با تجربه روزمره بخش بزرگی از رأی‌دهندگان فاصله داشت. پشتوانه مالی نیز نتوانست این فاصله را جبران کند. تا ۱۲ اکتبر، به برآورد رویترز، ایلان ماسک حدود ۳۶۶ میلیون دلار در چرخه انتخابات میان‌دوره‌ای هزینه کرده بود. از این مبلغ، ۲۷۶ میلیون دلار از جولای به بعد برای کمک به حفظ کنترل جمهوری‌خواهان بر کنگره صرف شد. ماسک بزرگ‌ترین اهداکننده شناخته‌شده این دوره بود، اما نتیجه نشان داد بسیج منابع مالی به‌تنهایی برای حفظ اکثریت کافی نیست. البته حجم پول، زمان ورود آن و نحوه توزیعش میان رقابت‌ها سه موضوع جداگانه‌اند؛ اختلافی که پس از شکست در روایت‌های درون‌حزبی آشکار شد.

وفاداری به ترامپ، هزینه برای نامزدها

ترامپ به دموکرات‌ها تبریک گفت، شکست را شخصی ندانست و از اختیار وتو برای مقابله با لوایح آنها سخن گفت. در حزب جمهوری‌خواه، تلاش برای توضیح نتیجه از همان ابتدا چند مسیر پیدا کرد؛ گروهی بر جنگ و گرانی دست گذاشتند، برخی انتخاب نامزدها را زیر سؤال بردند و عده‌ای نیز از شیوه تأمین و توزیع منابع کارزار انتقاد کردند. پشت این توضیح‌ها، رقابت بر سر تعیین مسئول شکست هم جریان داشت. دریک ون اوردن، نماینده جمهوری‌خواه ویسکانسین، پیش از رأی‌گیری گفته بود جنگ ایران حفظ هر دو مجلس را برای جمهوری‌خواهان به‌مراتب دشوارتر کرده است؛ هرچند خودش از اقدام نظامی حمایت می‌کرد. اکسیوس نیز گزارش داد برخی جمهوری‌خواهان در محافل خصوصی، افزایش قیمت بنزین و گازوئیل پس از جنگ را باری بر دوش نامزدهای سنا می‌دیدند. حمایت از جنگ برای این سیاست‌مداران لزوما به معنای توانایی دفاع انتخاباتی از پیامدهای آن نبود.

تحلیل رویترز بعد از انتخابات، انتخاب نامزدها را برجسته کرد. ترامپ در شماری از رقابت‌های مهم سنا به چهره‌های وفادار به خودش میدان داد و امیدوار بود حمایت او ضعف انتخاباتی آنها را جبران کند. آسوشیتدپرس در بررسی کارنامه دولت، تعرفه‌ها، گرانی و جنگی را مورد توجه قرار داد که با وعده ترامپ برای پرهیز از درگیری‌های تازه در خاورمیانه فاصله داشت. این دو مسئله در کارزار برخی نامزدها به هم رسید. نزدیکی به ترامپ می‌توانست راه کسب حمایت تشکیلاتی و عبور از رقابت درون‌حزبی را باز کند، اما همان نزدیکی در انتخابات عمومی، مسئولیت بیشتری برای دفاع از عملکرد دولت ایجاد می‌کرد. نامزدی که اعتبارش را از تأیید رئیس‌جمهور گرفته بود، برای فاصله‌گرفتن از تصمیم‌های نامحبوب او آزادی کمتری داشت.

فریدون مجلسی: شکست جمهوری‌خواهان آزمونی برای فاصله میان جذابیت شخصی ترامپ و توان انتخاباتی حزب بود

فریدون مجلسی، دیپلمات سابق، در گفت‌وگو با «شرق» نقش ترامپ را از زاویه توان بسیج رأی‌دهندگان بررسی می‌کند. به اعتقاد او، ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری توانسته بود بخشی از کسانی را که معمولا مشارکت کمتری داشتند، با کارزاری پرهیجان پای صندوق بیاورد. این بار، به گفته مجلسی، آن بسیج تکرار نشد. او تجربه اقتصادی رأی‌دهندگانی را مهم می‌داند که بهبود مورد انتظارشان را در کار و زندگی ندیدند. از این منظر، شکست جمهوری‌خواهان آزمونی برای فاصله میان جذابیت شخصی ترامپ و توان انتخاباتی حزب بود.

ماگا و دشواری انتقال رأی

پیمایش روز انتخابات آسوشیتدپرس از حدود ۸۰ هزار رأی‌دهنده نشان داد چهار نفر از هر ۱۰ نفر می‌خواستند با رأی خود مخالفتشان را با ترامپ ابراز کنند. کمتر از دو نفر از هر ۱۰ نفر هدفشان را اعلام حمایت از او دانستند و حدود چهار نفر از هر ۱۰ نفر گفتند ترامپ در تصمیمشان نقشی نداشته است. رئیس‌جمهور روی برگه رأی نبود، اما حضور سیاسی او در انتخاب مردم محسوس بود؛ حضوری که در این پیمایش، بیشتر انگیزه مخالفت ایجاد کرده بود تا اعلام حمایت. در همان بررسی، حدود سه نفر از هر ۱۰ رأی‌دهنده زیر ۳۰ سال به نامزد جمهوری‌خواه مجلس نمایندگان رأی دادند؛ در حالی که رأی این گروه در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ تقریبا میان ترامپ و کامالا هریس تقسیم شده بود. ترکیب شرکت‌کنندگان در دو انتخابات یکسان نیست و نمی‌توان از این تفاوت نتیجه گرفت همان افراد رأی خود را تغییر داده‌اند. با این حال، نتیجه نشان می‌دهد جمهوری‌خواهان نتوانستند در میان جوانان حاضر در انتخابات، سهمی مشابه انتخابات ریاست‌جمهوری به دست آورند. برای آینده ماگا، پرسش اصلی همین است؛ چه مقدار از ائتلافی که ترامپ ساخته، بدون حضور مستقیم او دوباره شکل می‌گیرد؟ بخشی از پاسخ به مشارکت وابسته است؛ اینکه حامیان کم‌مشارکت او برای نامزد دیگری هم پای صندوق می‌آیند یا نه. بخش دیگر به ترجیح سیاسی کسانی مربوط می‌شود که شاید به ترامپ رأی داده باشند، اما با همه سیاست‌های او همراه نباشند.

بروکینگز پیش از انتخابات به شکافی درون حزب اشاره کرده بود. در داده‌هایی که این مؤسسه در ژوئن بررسی کرد، ۶۲ درصد جمهوری‌خواهان خود را همسو با ماگا می‌دانستند، اما جمهوری‌خواهان بیرون از این طیف درباره موضوعاتی مانند تعرفه‌ها و جنگ ایران دیدگاه‌های متفاوتی داشتند. در پیمایش روز انتخابات نیز حدود چهار نفر از هر ۱۰ رأی‌دهنده جمهوری‌خواه گفتند کنگره برای مهار قدرت ریاست‌جمهوری به اندازه کافی کاری نمی‌کند. نامزد بعدی حزب با همین ترکیب روبه‌رو خواهد شد. او برای پیروزی در رقابت درون‌حزبی به حمایت پایگاه وفادار ترامپ نیاز دارد و برای رسیدن به کاخ سفید باید رأی ناراضیان و مردد‌ها را نیز جلب کند. نتیجه انتخابات میان‌دوره‌ای، پایان نفوذ ترامپ را ثابت نمی‌کند، اما نشان می‌دهد تأیید او به‌تنهایی تضمین پیروزی نیست. میراث انتخاباتی رئیس‌جمهور، علاوه بر هوادارانش، شامل پرونده‌هایی خواهد بود که جانشین احتمالی باید درباره آنها موضع بگیرد.

ایران در رأی آمریکایی‌ها چه سهمی داشت؟

برای شناخت جای جنگ ایران در انتخابات، باید میان انگیزه رأی و مطالبه پس از رأی تفاوت گذاشت. آسوشیتدپرس روز انتخابات از مردم پرسید چه چیزی در تصمیم آنها تعیین‌کننده بود؟ هزینه زندگی و فساد دولتی وزن بیشتری از جنگ ایران داشت. بنابراین، معرفی کل نتیجه به‌عنوان همه‌پرسی درباره جنگ، توضیح کاملی از رفتار رأی‌دهندگان ارائه نمی‌دهد.

در عین حال، این موضوعات کاملا از یکدیگر جدا نیستند. جنگ می‌تواند از مسیر قیمت سوخت، هزینه حمل‌ونقل و نگرانی اقتصادی بر رأی اثر بگذارد. کسی که گرانی را مسئله اصلی خود معرفی می‌کند، ممکن است از پیامدهای درگیری ناراضی باشد، بی‌آنکه سیاست خارجی را در صدر اولویت‌هایش بنشاند. گزارش‌های مربوط به نگرانی نامزدهای جمهوری‌خواه از قیمت بنزین و گازوئیل نیز همین پیوند را نشان می‌دهد. داده‌های موجود برای تعیین سهم مستقل جنگ از مجموع نارضایتی اقتصادی کافی نیست.

پرسش درباره وظیفه کنگره آینده، تصویر روشن‌تری از انتظار عمومی می‌دهد. پیش از انتخابات، آسوشیتدپرس و نورک پرسیده بودند کنگره چه کاری را باید در اولویت بگذارد. حدود هشت نفر از هر ۱۰ نفر کاهش هزینه زندگی، هفت نفر پایان جنگ ایران و چهار نفر تحقیق درباره دولت ترامپ را در شمار اولویت‌های اصلی قرار دادند. حتی میان رأی‌دهندگان جمهوری‌خواه، پایان جنگ بالاتر از حمایت از برنامه دولت ترامپ قرار گرفت. برای دموکرات‌ها، این فاصله معنای عملی دارد. رأی‌دهندگان بیش از آنکه صرفا خواهان بازکردن پرونده گذشته باشند، درباره نتیجه اقدامات آینده انتظار دارند. تحقیق درباره آغاز جنگ می‌تواند مسئولیت تصمیم‌گیران را روشن کند، اما به‌خودی‌خود درگیری را پایان نمی‌دهد. اکثریت تازه باید نشان دهد نظارتش چگونه به کاهش هزینه‌ها، مهار خطر گسترش جنگ یا بازشدن مسیر توافق کمک می‌کند. این همان نقطه‌ای است که پیروزی انتخاباتی به مسئولیت حکمرانی تبدیل می‌شود. دموکرات‌ها اکنون امکان بیشتری برای طرح پرسش دارند، اما افکار عمومی پاسخ را فقط در جلسات استماع جست‌وجو نخواهد کرد؛ اگر هزینه زندگی همچنان بالا بماند و جنگ ادامه پیدا کند، توضیح محدودیت اختیارات کنگره نیز بخشی از وظیفه سیاسی آنها خواهد بود.

از میزژنو تا تصمیم به حمله

یکی از محورهای احتمالی نظارت کنگره، روند عبور از مذاکره به عملیات نظامی است. ۲۶ فوریه، دو روز پیش از آغاز حملات آمریکا و اسرائیل، ایران و آمریکا در ژنو درباره پرونده هسته‌ای مذاکره کرده بودند. وزیر خارجه عمان گفت قرار است گفت‌وگوهای فنی هفته بعد در وین ادامه پیدا کند. هم‌زمان، گزینه نظامی در واشینگتن در دست بررسی بود. پرسش این است که دولت با چه ارزیابی‌ای از فرصت مذاکره، ضرورت حمله و پیامدهای آن تصمیم گرفت؟

بنا بر گزارش تحقیقی نیویورک‌تایمز، اراده بنیامین نتانیاهو در فوریه بر تصمیم ترامپ برای پیوستن به عملیات اثر گذاشت. در جلسات کاخ سفید، جی‌دی ونس نگرانی‌های جدی‌ای داشت و ارزیابی اطلاعاتی آمریکا هم بدبینانه بود. ترامپ در بستر این اختلاف‌نظرها به مشارکت آمریکا چراغ سبز داد. بررسی اسناد و شهادت مقام‌ها می‌تواند نشان دهد این نگرانی‌ها تا چه اندازه در تصمیم نهایی لحاظ شد.

دامنه تحقیق می‌تواند از علت آغاز حمله فراتر برود؛ هدف عملیات چگونه تعریف شده بود؟ دولت درباره واکنش ایران چه تصوری داشت؟ چه معیاری برای موفقیت تعیین کرده بود و اگر درگیری از زمان یا دامنه پیش‌بینی‌شده فراتر می‌رفت، چه برنامه‌ای داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها برای ارزیابی تصمیم‌های بعدی نیز اهمیت دارد. بدون شناخت هدف اولیه، سنجش ادعای موفقیت یا ضرورت ادامه عملیات دشوار خواهد بود.

الجزیره جنگ ایران را یکی از پنج محور احتمالی نظارت دموکرات‌ها بر دولت ترامپ می‌داند. موضوعات دیگری مانند فعالیت‌های تجاری خانواده ترامپ، سیاست مهاجرتی، اسناد جفری اپستین، عملکرد وزارت دادگستری و مسائل بودجه‌ای نیز در دستور احتمالی قرار دارند. این گستردگی به معنای رقابت پرونده‌ها برای وقت، نیروی کارشناسی و توجه به سیاست است. میزان اولویت‌گرفتن جنگ ایران، به تحولات میدان و تصمیم رهبران دموکرات بستگی خواهد داشت.

گریگوری میکس، از دموکرات‌های ارشد کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان، از مارس خواسته بود پیت هگست، مارکو روبیو، استیو ویتکاف و جرد کوشنر درباره مذاکرات و برنامه‌ریزی پیش از جنگ شهادت بدهند. احتمال تحقیق درباره عملکرد هگست در پنتاگون و تلاش برای برکناری او نیز مطرح شده است. اکثریت تازه امکان بیشتری برای پیگیری این درخواست‌ها دارد؛ امکانی که ارزش آن به دسترسی به اطلاعات و کیفیت پاسخ‌های مقام‌ها وابسته است.

کنگره تازه چه چیزی را تغییر می‌دهد؟

تغییر اکثریت با اعلام نتایج فورا به تغییر ابزارهای رسمی قدرت تبدیل نمی‌شود. کنگره تازه از سوم ژانویه کارش را آغاز می‌کند. تا آن زمان، پیروزی دموکرات‌ها بیشتر از مسیر پیام سیاسی و تأثیر بر محاسبات بازیگران عمل می‌کند. اکثریت منتخب هنوز در جایگاه تازه مستقر نشده و نمی‌تواند همه وعده‌های نظارتی خود را به اجرا بگذارد. این فاصله برای ارزیابی تحولات هفته‌های پیش رو اهمیت دارد. پس از آغاز کار، اثر ملموس‌تر نتیجه انتخابات در جلسات استماع، درخواست اسناد، بررسی بودجه و رسیدگی به نامزدهای ترامپ برای وزارت و قضاوت فدرال دیده می‌شود. هر ابزار هدف متفاوتی دارد؛ نظارت می‌تواند اطلاعات پنهان را آشکار کند، مناقشه بودجه‌ای می‌تواند ادامه یک سیاست را دشوارتر کند و بررسی انتصاب‌ها فرصتی برای پرسش درباره برنامه‌های آینده دولت فراهم آورد.

در برابر این ابزارها، ترامپ اختیار وتو دارد و گفته از آن استفاده خواهد کرد. بنابراین، تصویب طرحی برای محدودکردن دولت لزوما به اجرای آن منتهی نمی‌شود. وزن واقعی مصوبات به میزان حمایت از آنها، به‌ویژه همراهی جمهوری‌خواهان بستگی دارد. اگر مخالفت با یک تصمیم فقط در صفوف دموکرات‌ها باقی بماند، شرایط با زمانی که بخشی از حزب رئیس‌جمهور هم به آن بپیوندد متفاوت خواهد بود.

استیضاح؛ «شمشیر داموکلس» بالای سر ترامپ

فریدون مجلسی استیضاح را بیش از هر چیز اهرم فشار می‌داند. به تعبیر او، دموکرات‌ها می‌توانند احتمال آن را مانند «شمشیر داموکلس» بالای سر ترامپ نگه دارند و در چانه‌زنی با او به کار بگیرند. مجلس نمایندگان می‌تواند مواد استیضاح را با اکثریت ساده تصویب کند، اما محکومیت و برکناری به رأی دوسوم سناتورهای حاضر نیاز دارد. اکثریت دموکرات به‌تنهایی چنین نتیجه‌ای را تضمین نمی‌کند.

حتی بدون برکناری، روند نظارت می‌تواند برای دولت پیامد داشته باشد. انتشار اسناد، آشکارشدن اختلاف روایت مقام‌ها یا طرح پرسش‌های بی‌پاسخ، بر توان کاخ سفید برای دفاع از سیاستش اثر می‌گذارد. با این حال، تبدیل این فشار به تغییر رفتار، نتیجه‌ای از پیش تعیین‌شده نیست. باید دید کدام موضوع مخالفتی پایدار و فراتر از مرزبندی حزبی ایجاد می‌کند. مجلس درباره اثر فوری انتخابات محتاط است: «این جنگ سر جایش است». او یادآوری می‌کند که «دولت به دست دموکرات‌ها نیفتاده». به اعتقاد این دیپلمات سابق، شعار نابودی اسرائیل به تل‌آویو کمک کرده خود را در معرض تهدید نشان دهد و از هر دو حزب آمریکا حمایت بگیرد. او انتظار دارد دموکرات‌ها به اندازه ترامپ صریح و تمام‌قد از اقدامات اسرائیل پشتیبانی نکنند، اما این تفاوت را معادل پایان حمایت آمریکا نمی‌داند. از نگاه مجلسی، ایران باید مسیرهای دیپلماتیکی را که می‌توانند جلوی گسترش جنگ را بگیرند جدی بگیرد. در این چارچوب، منافع همسایگان نیز اهمیت دارد. او به نقش دوبی در تجارت ایران اشاره می‌کند و معتقد است ادامه تنش به این رابطه اقتصادی آسیب می‌زند. مجلسی ضمن نقد رفتار امارات با ایرانیانی که نقشی در جنگ نداشتند، می‌گوید از دست دادن بازار ایران برای دوبی هزینه خواهد داشت؛ به‌ویژه در شرایطی که عمان، عربستان و قطر هم ظرفیت بندری خود را گسترش داده‌اند. زیان اقتصادی جنگ می‌تواند انگیزه‌ای برای میانجیگری منطقه‌ای باشد، اما شکل‌گیری توافق به تصمیم طرف‌های اصلی نیز وابسته است. کشورهای همسایه ممکن است کانال ارتباطی فراهم کنند یا پیشنهادهایی برای کاهش تنش بدهند؛ تعیین شروط، پذیرش تعهدات و اجرای آنها همچنان بر عهده تهران و واشینگتن خواهد بود. فرصت دیپلماسی زمانی قابل سنجش می‌شود که این تماس‌ها به پیشنهادهای روشن و قابل پیگیری برسد.

حمله، مذاکره یا ادامه بلاتکلیفی

شورای روابط خارجی آمریکا سه مسیر را پیش‌روی ترامپ می‌بیند: تجدید حملات، پیگیری مذاکره همراه با تهدیدنظامی یا حفظ وضع موجود به امید آنکه فشار، ایران را به امتیازدادن وادار کند. شکست جمهوری‌خواهان برای هر مسیر پرسش متفاوتی ایجاد می‌کند. در مسیر حمله، کاخ سفید باید از هدف و هزینه عملیات دفاع کند. در مذاکره، مسئله حاصل جنگ مطرح می‌شود و در ادامه وضع موجود، دولت باید درباره زمان و نتیجه مورد انتظار از فشار توضیح بدهد. تحلیل نظامی فایننشال‌تایمز میان عملیات محدود دریایی و کارزار گسترده‌تر تفاوت می‌گذارد و بر خطر پاسخ ایران در هر دو حالت تأکید دارد. این تمایز برای فهم تصمیم‌های احتمالی مهم است. ممکن است هدف اولیه یک اقدام محدود باشد، اما واکنش طرف مقابل محاسبات بعدی را تغییر دهد. دامنه نهایی درگیری فقط با نیت آغازکننده تعیین نمی‌شود؛ زنجیره پاسخ‌ها و تصمیم‌های پس از حمله نیز در آن نقش دارد. نشانه‌های روزهای انتخابات برای اعلام قطعیت کافی نیست. واشینگتن حمله محدود به اهدافی در قشم را دفاعی توصیف کرد و ترامپ به فایننشال‌تایمز گفت برنامه فوری برای حمله ندارد، اما برای اقدام آماده است. این مواضع نشان می‌دهد گزینه نظامی کنار گذاشته نشده، ولی از آنها به‌تنهایی نمی‌توان زمان یا گستره عملیات بعدی را استخراج کرد. ارزیابی دقیق‌تر به اطلاعاتی درباره مسیر مذاکرات، هدف‌های عملیاتی و رفتار دو طرف نیاز دارد.

در صورت حمله محدود، مسئله مهار پیامدها مطرح خواهد شد. اگر ایران پاسخ بدهد، دولت آمریکا با چه معیاری درباره اقدام بعدی تصمیم می‌گیرد؟ اگر عملیات طول بکشد، هزینه آن از کجا تأمین می‌شود و با چه مجوزی ادامه می‌یابد؟ اینجاست که نظارت، بودجه و بحث اختیارات جنگی به هم می‌رسند. کنگره می‌تواند دولت را به ارائه برنامه وادار کند، هرچند میزان موفقیتش در محدودکردن عملیات به آرایش سیاسی و همراهی اعضای هر دو حزب وابسته خواهد بود. انتخابات میان‌دوره‌ای برای ایران زمانی معنای عملی پیدا می‌کند که اثرش در شروط مذاکره، دامنه درگیری و تصمیم‌های بودجه‌ای دیده شود. اگر واشینگتن به سمت توافق برود، ترامپ باید توضیح دهد جنگ چه دستاوردی به آنچه پیش از حمله در ژنو دنبال می‌شد اضافه کرده است. اگر دوباره حمله کند، پرسش روشن‌تر خواهد بود؛ دور تازه قرار است چه نتیجه‌ای بدهد که دور قبلی نداده است؟